

Effect of Cultural Intelligence on Self-Directed Learning of Nursing Students

Hassani F.* MA

*Psychology Department, Humanities Faculty, Islamic Azad University, Qom, Iran

Abstract

Aims: Cultural intelligence is a new domain of intelligence that can increase students' adaptation and can influence their learning. The conducted study aimed to investigate the effects of cultural intelligence on self-directed learning.

Instrument & Methods: This causal-comparative study was conducted in 2015 in undergraduate nursing students of Qom City, Iran. 86 female nursing students were selected from one university of Qom City, using the cluster sampling method. The Ang *et al.* cultural intelligence and Fisher, King and Tagoe self-directed learning questionnaires were completed by samples. Data was analyzed using SPSS 19 software by ANOVA and multivariate analysis of variance.

Findings: The mean of self-directed learning, the two components of self-management and willingness to learn, were significantly higher in students with high cultural intelligence than students with low cultural intelligence. However, there was no significant difference in self-control between students with high vs. low cultural intelligence.

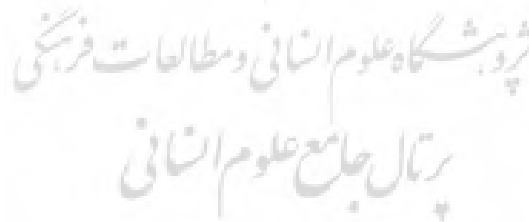
Conclusion: The higher a person's cultural intelligence is the higher self-directed learning, self-management and willingness to learn will be.

Keywords

Cultural Intelligence [Not in MeSH];

Cultural Competency [<http://www.ncbi.nlm.nih.gov/mesh/68054521>];

Learning [<http://www.ncbi.nlm.nih.gov/mesh/68007858>]



* Corresponding Author

Tel: +982536601300

Fax: +982536080045

Address: District 3 Education and Training Office, 20 meters Shahid Beheshti, Qom, Iran. Postal Code: 3719976443

fhassani14@yahoo.com

Received: April 21, 2015

Accepted: May 29, 2015

ePublished: June 6, 2015

تاثیر هوش فرهنگی بر یادگیری خودراهبر دانشجویان پرستاری

فهیمه حسنی * MA

گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

چکیده

اهداف: هوش فرهنگی دامنه جدیدی از هوش است که می‌تواند باعث افزایش سازگاری دانشجویان شود و یادگیری آنان را تحت تاثیر قرار دهد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر هوش فرهنگی بر خودراهبری در یادگیری دانشجویان انجام شد.

ابزار و روش‌ها: این پژوهش علی-مقایسه‌ای در سال ۱۳۹۴ در دانشجویان دختر رشته پرستاری مقطع کارشناسی شهر قم انجام شد. ۸۶ دانشجوی دختر پرستاری از یکی از دانشگاه‌های شهر قم به‌روش خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. پرسش‌نامه هوش فرهنگی *آنگ* و همکاران و پرسش‌نامه یادگیری خودراهبر *فیشر*، *کینگ* و *تاگو* توسط نمونه‌ها تکمیل شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS 19 و با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه و تحلیل واریانس چندمتغیره تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: میانگین نمرات یادگیری خودراهبر و دو مولفه خودمدیریتی و رغبت به یادگیری، در دانشجویان دارای هوش فرهنگی بالا به‌طور معنی‌داری بالاتر از دانشجویان با هوش فرهنگی پایین بود. اما در مولفه خودکنترلی بین دانشجویان با هوش فرهنگی بالا و پایین تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: هر چه هوش فرهنگی فرد بالاتر باشد، خودراهبری در یادگیری، خودمدیریتی و رغبت به یادگیری نیز بالاتر است.

کلیدواژه‌ها: هوش فرهنگی، یادگیری خودراهبر، خودمدیریتی، خودکنترلی، رغبت به یادگیری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۰۸

* نویسنده مسئول: fhassani14@yahoo.com

مقدمه

امروزه اکثر جوامع در حال اعمال اصلاحات آموزشی هستند، چرا که نیاز به خودمطالعه‌گری و خودانگیزی دانشجویان در دنیای پرتحول کنونی که به یک دنیای دانش‌مدار تبدیل شده است، ضروری است. تولید فزاینده دانش، اطلاعات و پیشرفت تکنولوژی سبب شده که عمر دانش بسیار کوتاه باشد. همچنین پیچیدگی زندگی امروز و بروز مسایل پیش‌بینی‌نشده فراوان به‌خصوص در زمینه‌های پرستاری، نیاز وافر دانشجویان به یادگیری مادام‌العمر و اتخاذ تدابیر فی‌البداهه را ضروری می‌کند. لذا به‌منظور چیره‌شدن بر این شرایط، به‌جای انتقال مجموعه‌ای از اطلاعات به دانشجویان، باید آنها را

دوماهنامه علمی - پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی

تبدیل به فراگیران خودراهبر نمود که در یادگیری، مستقل و خودمختار و در زمینه علم و دانش، به‌روز باشند. خودراهبری در یادگیری دانشجویان موجب می‌شود که آنها حتی پس از خروج از نظام آموزشی رسمی نیز دانش و صلاحیت‌های خود را به‌روز کنند. مفهوم یادگیری خودراهبر از آموزش بزرگ‌سالان نشأت گرفته و نظریه‌های یادگیری خودراهبر که بر تجربه فراگیر تمرکز کرده، از تحقیقات جان دیویی منشا گرفته است [۱]. در سال ۲۰۰۱ برای اولین بار، مقیاس آمادگی خودراهبر در یادگیری، در مجله آموزش پرستاری منتشر شد [۲]. *ناویر* یادگیری خودراهبر را فرآیندی می‌داند که در آن، فراگیران با کمک یا به ابتکار خود، نیازهای یادگیری‌شان را تشخیص داده، ضمن تعیین اهداف یادگیری و شناسایی منابع انسانی و سایر منابع لازم برای یادگیری، راهبردهای مناسب برای یادگیری را انتخاب می‌کنند و در نهایت پیامدهای آن را مورد ارزش‌یابی قرار می‌دهند [۳]. به‌بیانی دیگر، به‌عنوان فرآیندی فعال و ساختاری، پردازشی است که با آن یادگیرنده اهداف فعالیت‌های یادگیری، شناخت، انگیزه و رفتار خود را تنظیم می‌کند [۴]. دانشجویان در این فرآیند، به‌گسترش توانایی‌هایشان در ارزیابی کمبودهای دانش خود تشویق می‌شوند و سپس با جستجو در منابع مرتبط به کمبودهای دانش خود رسیدگی می‌کنند [۵]. چهارچوب اصلی نظریه یادگیری خودراهبر بر این اساس استوار است که یادگیرنده چگونه از نظر باورهای فراشناختی، انگیزشی و رفتارهای یادگیری خود را سازمان‌دهی می‌کند [۶]. یادگیرندگان خودراهبر افرادی فعال و خودجوش هستند، یادگیری آنها هدفمند و معنادار است و با توجه به انگیزه بالا، یادگیری ایشان پایدار و تداوم خواهد داشت. این نوع یادگیری شامل سه مولفه خودمدیریتی، خودکنترلی و رغبت به یادگیری است [۷].

خودکنترلی: توانایی یادگیرنده برای کنترل علایق، نگرش‌ها و تلاش‌ها در جهت انجام یک تکلیف یا میل به یک هدف است. اساس خودکنترلی، توانایی یادگیرنده برای درک صلاحیت‌های لازم برای یک تکلیف یا هدف و سپس نظارت بر تلاش‌هایش و تنظیم آنها است و نیز درگیری فعال دانش‌آموز در تلاش‌های یادگیری فردی، رفتاری، انگیزشی و شناختی خود، به‌منظور کسب اهداف تحصیلی است [۸]. دیگر یافته‌ها نشان می‌دهد که خودکنترلی به موفقیت‌های تحصیلی منجر می‌شود [۹، ۱۰].

خودمدیریتی: به‌عنوان فرآیند جهت‌دهی شخصی تمایلات، رفتار و شناخت افراد به سمت برآورده‌کردن وظایف یا اهداف تعریف می‌شود و یادگیرندگان را برای کنترل و مدیریت موقعیت‌هایی که باعث دست‌یابی آنها به اهداف‌شان می‌شود، درگیر می‌کند [۱۱]. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی مانند کیفیت ضعیف روابط فردی و خانوادگی، خودمدیریتی افراد را با مشکلات جدی مواجه می‌سازد [۱۲].

رغبت به یادگیری: کنجکاوی و ایجاد انگیزه در فرد به‌منظور

راهبر، هوش فرهنگی شناختی یا دانش، هوش فرهنگی انگیزشی و هوش فرهنگی رفتاری است [۲۱].

این نوع هوش تمایلی در فرد به وجود می‌آورد که همواره اطلاعاتش را برای دستیابی به راهبردهایی برای برخورد با کار، زندگی و تعامل با موقعیت جدید فرهنگی فرا خواند. بر این اساس، توانایی افراد با هوش فرهنگی مختلف برای رشد شخصی از طریق تداوم در یادگیری، شناخت بهتر میراث فرهنگی، ارزش‌های گوناگون و ادراک متفاوت است [۲۰]. افرادی با هوش فرهنگی پایین ممکن است قادر به ارتباط با دیگران از همان فرهنگ یا فرهنگ‌های دیگر نباشند و در نتیجه، در زندگی و کسب و کارشان دچار مشکل شوند.

در مقابل، افرادی با هوش فرهنگی بالا قادر به تفسیر رفتار دیگران و حتی در صورت نیاز، انطباق با رفتار دیگران هستند. این افراد حصارهای فرهنگی را درک کرده، می‌دانند که همین حصارها می‌توانند رفتار ما و دیگران را چارچوب‌بندی کنند. لذا با توجه به اطلاعات موجود یک چارچوب شناختی مشترک تدوین می‌کنند، حتی اگر این چارچوب درک کافی از رفتارها و هنجارهای محلی نداشته باشد. تدوین چنین چارچوبی تنها از عهده کسانی بر می‌آید که از هوش فرهنگی بالایی برخوردار باشند [۱۸]. به همین دلیل، فردی که دارای هوش فرهنگی بالاست توانایی یادگیری در محیط فرهنگی جدید را دارد و از رویارویی با فرهنگ‌های جدید لذت می‌برد [۲۲]. نتایج پژوهش‌ها نشان‌دهنده رابطه معناداری بین هوش فرهنگی و یادگیری است [۲۳]. برخورداری از هوش فرهنگی بالا، پیش‌بین قابل توجهی برای یادگیری در افراد به‌شمار می‌آید [۲۴]. یافته‌های پژوهشی دیگر نشان داده‌اند که هوش فرهنگی موجب می‌شود که افراد در مورد اعمال خود، مدیریت کنند و با دستیابی به اهداف، احساس شایستگی را در خود بیورانند [۲۵]. همچنین بین هوش و خودمدیریتی [۲۶] و هوش فرهنگی با خودمدیریتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد [۲۷]. چان‌لین و همکاران [۲۸] نیز در پژوهش خود با عنوان اثر هوش فرهنگی بر خودمدیریتی تأکید دارند که هوش یکی از موارد مهم در سازگاری فردی و خودمدیریتی افراد به‌شمار می‌رود. در حالی که یافته‌های پژوهش احمدیان نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری میان ویژگی‌های شخصیتی و مشخصات فردی با خودمدیریتی و نیز رابطه‌ای میان مشخصات فردی و ویژگی‌های شخصیتی با هوش فرهنگی وجود ندارد [۲۷]. پژوهشگران دیگر نیز در نتایج پژوهش خود به اهمیت انگیزه و فراشناخت در امر یادگیری در افراد تأکید داشتند [۲۹، ۳۰]. قطعاً هر قدر دانش‌آموزان در مورد راهبردهای یادگیری موثر و محدودیت‌های توانایی‌های یادگیری و حافظه خود بیشتر بدانند (یعنی هر قدر خودآگاهی فراشناختی آنان بیشتر باشد)، به همان میزان یادگیری و پیشرفت آنها در امر تحصیل نیز بیشتر خواهد بود [۳۱].

با توجه به مطالب فوق و اهمیت مبحث، هدف این پژوهش بررسی

مطالعه و بررسی یک موضوع که بیشتر به فرآیندهای شناختی و محتوایی می‌پردازد. انگیزه یادگیرندگان خودراهبر به‌منظور کسب دانش، بسیار قوی است [۱]. متغیرهای انگیزه تحصیلی، قومیت، احساس تنیدگی برای پیشرفت و مفهوم خود، پیش‌بین‌های مناسبی برای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان هستند [۱۳]. همچنین ظرفیت یادگیری در افراد به عوامل گوناگونی از جمله هوش و شدت رغبت برای یادگیری بستگی دارد و پذیرش تغییرات اجتماعی، شرکت فعال در یادگیری، قبول مسئولیت‌های فردی، اجتماعی و اعمال مدیریت صحیح به‌میزان زیادی بستگی به انگیزش و رغبتی دارد که در انسان بروز می‌کند [۱۴].

در محیط‌های دانشگاهی که از لحاظ بافت قومی و مذهبی از تنوع بسیاری برخوردار هستند، هوش فرهنگی باعث افزایش سازگاری دانشجویان شده، عملکرد تحصیلی و یادگیری آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد [۱۵]. در این رابطه پژوهشگران باورها، ارزش‌ها، هنجارها و تجارب فرهنگی را راهنمای چگونگی تعامل افراد با یکدیگر دانسته‌اند [۱۶]. نتیجه مطالعاتی که در سال‌های اخیر روی فرهنگ و سازگاری انسان‌ها با میانی فرهنگی متفاوت انجام شده است، نشان می‌دهد که بعضی اشخاص دارای قابلیت‌هایی هستند که می‌توانند به‌نحو موثرتری با فرهنگ خود و فرهنگ‌های دیگر سازگار شده، تنوعات فرهنگی را مورد پذیرش قرار دهند. بر این اساس، مفهوم هوش فرهنگی وارد عرصه تحلیل رفتار و توجیه سازگاری مورد نظر شد [۱۷]. هوش فرهنگی برای نخستین بار توسط *یرلی و آنگ* از محققان مدرسه کسب و کار لندن مطرح شد. این دو، هوش فرهنگی را قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و آرایه پاسخ‌های رفتاری صحیح به این الگوها تعریف کرده‌اند. آنها معتقد بودند هوش فرهنگی یک قابلیت فردی برای درک، تفسیر و اقدام اثربخش در موقعیت‌هایی است که از تنوع فرهنگی برخوردارند و با آن دسته از مفاهیم مرتبط با هوش سازگار است که هوش را بیشتر یک توانایی شناختی می‌دانند. مطابق با این تعریف، در واقع هوش فرهنگی با تمرکز بر قابلیت‌های خاصی که برای روابط شخصی باکیفیت و اثربخش در شرایط فرهنگی مختلف لازم است، بر جنبه‌ای دیگر از هوش شناختی تمرکز دارد [۱۸]. به‌بیانی دیگر، هوش فرهنگی، توانایی فرد در راستای سازگاری موفقیت‌آمیز با محیط‌های فرهنگی جدید است که معمولاً با بافت فرهنگی خود فرد ناآشناست. براساس این تعریف، هوش فرهنگی هوشی متفاوت از هوش اجتماعی و عاطفی است. افراد زیادی با داشتن هوش بالا و مهارت‌های اجتماعی مناسب در تعاملات بین‌المللی شکست می‌خورند که علت اصلی آن پایین بودن هوش فرهنگی است [۱۹]. *آنگ*، هوش فرهنگی را یک سازه چندبُعدی متراکم و ابعاد آن را جنبه‌های مختلف یک قابلیت کلی توصیف کرده است [۲۰]. به‌اعتقاد *آنگ* و *اینکین*، هوش فرهنگی شامل چهار عامل راهبردی هوش فرهنگی فراشناختی یا

تاثیر هوش فرهنگی بر یادگیری خودراهبر و مولفه‌هایش در دانشجویان بود.

ابزار و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها، علی-مقایسه‌ای است که در سال ۱۳۹۴ انجام شد. جامعه آماری پژوهش، کلیه دانشجویان دختر رشته پرستاری مقطع کارشناسی شهر قم بودند. برای تعیین حجم نمونه به روش خوشه‌ای تصادفی، از بین دانشگاه‌های قم، یک دانشگاه انتخاب شد و بر طبق جدول مورگان، نمونه‌ای ۸۶ نفره از دانشجویان دختر پرستاری انتخاب شدند.

ابزار سنجش، پرسش‌نامه‌ای بود که روایی صوری و محتوایی آن مورد تایید اساتید و پژوهشگران قبلی بود و پایایی آن نیز تایید شده بود. هر پرسش‌نامه دارای دو بخش بود؛ بخش اول شامل سؤالاتی در مورد سن، جنس، مقطع، ترم و رشته تحصیلی و بخش دوم سؤالات مربوط به متغیر مورد نظر بود.

برای سنجش هوش فرهنگی از پرسش‌نامه هوش فرهنگی استفاده شد. این مقیاس مشتمل بر ۲۰ سؤال است که توسط آنگ و همکاران در سال ۲۰۰۴ طراحی شده است. این پرسش‌نامه توانایی شرکت‌کنندگان در برقراری ارتباط بهتر در فرهنگ‌های مختلف را می‌سنجد و دارای چهار عامل است که شامل راهبرد یا فراشناخت، شناخت یا دانش، انگیزشی و رفتاری هستند. در مطالعه آنگ، میزان پایایی فراشناخت ۰/۷۰، شناخت ۰/۸۶، انگیزشی ۰/۷۶ و رفتاری ۰/۸۳ است [۱۸]. این پرسش‌نامه در سال ۱۳۸۹ روی دانشجویان پیام نور اجرا شد. در این تحقیق آلفای کرونباخ پرسش‌نامه ۰/۸۵ به دست آمد و نتایج حاصل از بازآزمایی به فاصله ۱۵ روز بیانگر همبستگی ۰/۷۹ بود. میزان پایایی این مقیاس در تحقیق کمالیان و همکاران، ۰/۸۲ به دست آمد [۳۳]. نتایج حاصل از تحلیل عاملی با چرخش واریماکس نیز چهار عامل مجزا با تعداد عبارات ذکر شده در بالا را تایید کرد. همچنین در تحقیقات دیگر روایی آن با ارجاع به نظر متخصصان و کارشناسان به روش صوری و تحلیل عاملی تاییدی تعیین شد [۳۳]. ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه در این تحقیق برابر با ۰/۸۹ بود. در نمره‌گذاری این مقیاس از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است. به گزینه کاملاً مخالف نمره یک و کاملاً موافق نمره ۵ تعلق می‌گیرد.

آزمون دیگر که مورد استفاده قرار گرفت، پرسش‌نامه یادگیری خودراهبر فیشر، کینگ و تاگو بود. این پرسش‌نامه برای سنجش افرادی که به لحاظ شناختی به تفکر انتزاعی رسیده‌اند، ساخته شده است. اصل این ابزار خودسنجی، ۵۲ گویه داشت که با هنجاریابی فیشر و همکاران به ۴۱ گویه کاهش یافت. این پرسش‌نامه سه عامل خودمدیریتی، رغبت به یادگیری و خودکنترلی را ارزیابی می‌کند. یافته‌های فیشر در استرالیا نشان داد که پایایی کل این

مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ است. در پژوهش نادری و همکاران، پایایی به روش آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۸۲ به دست آمده است [۳۴]. ضریب آلفای پرسش‌نامه در این تحقیق ۰/۸۶ بود. روایی این مقیاس با روش سازه با استفاده از تحلیل عاملی مناسب گزارش شد. نمره‌گذاری این پرسش‌نامه براساس مقیاس پنج‌درجه‌ای روی طیف لیکرت از کاملاً مخالفم (یک) تا کاملاً موافقم (۵) است.

برای جمع‌آوری داده‌ها، پس از تهیه ابزار مناسب با روایی و پایایی مطلوب و انجام هماهنگی‌های لازم با دانشگاه مورد نظر و کسب مجوز، کار شروع شد. دانشجویان براساس جنس دختر، مقطع کارشناسی و رشته تحصیلی پرستاری، هم‌تاسازی شدند. نمونه‌های واجد شرایط در مورد پاسخ‌دادن به پرسش‌نامه توجیه شدند و به آنها تاکید شد که پاسخ‌های دقیقشان می‌تواند از نظر کمی و کیفی تاثیر زیادی در نتایج پژوهش داشته باشد. برای رعایت نکات اخلاقی، در مورد پژوهش و اهداف آن به‌طور شفاف با کلیه شرکت‌کنندگان صحبت شد و به آنها اطمینان داده شد که اطلاعات حاصل شده، صرفاً برای انجام پروژه تحقیقاتی است و کلیه اطلاعات نزد محقق محرمانه باقی خواهد ماند. پرسش‌نامه‌ها پس از توزیع و تکمیل، جمع‌آوری شدند و با کدگذاری پاسخ‌های حاصل و وارد کردن آنها در رایانه زمینه برای آزمون داده‌ها فراهم شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و همچنین با توجه به ماهیت پژوهش، از آمار استنباطی استفاده شد. تاثیر هوش فرهنگی بر یادگیری خودراهبر با استفاده از تحلیل واریانس یک‌راهه (آنوا) و تاثیر هوش فرهنگی بر خودمدیریتی، رغبت به یادگیری و خودکنترلی از طریق تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) مورد آزمون قرار گرفت. به منظور مقایسه و یافتن ارتباط بین متغیرها از نرم‌افزار SPSS 19 استفاده شد. سطح معن‌داری آماری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

جدول ۱) میانگین آماری نمرات مولفه‌های یادگیری خودراهبر براساس هوش فرهنگی (۸۰ نفر)

مولفه‌های یادگیری خودراهبر	میانگین آماری نمرات
خودمدیریتی	
هوش فرهنگی پایین	۴۹/۰۵±۱۰/۶۳
هوش فرهنگی بالا	۶۱/۱۵±۴/۴۳
رغبت به یادگیری	
هوش فرهنگی پایین	۳۵/۷۲±۷/۳۴
هوش فرهنگی بالا	۴۱/۶۰±۲/۹۶
خودکنترلی	
هوش فرهنگی پایین	۴۴/۲۷±۸/۴۳
هوش فرهنگی بالا	۴۴/۳۰±۹/۵۵
کل	
هوش فرهنگی پایین	۴۳/۰۱±۸/۸۰
هوش فرهنگی بالا	۴۹/۰۱±۵/۶۴

نمره‌های خودمدیریتی، از طریق انتساب به گروه‌ها تبیین می‌شود و خودمدیریتی دانشجویان تحت تأثیر سطح هوش فرهنگی آنها است. این رقم در مورد مقیاس رغبت به یادگیری به ۲۲٪ می‌رسید، در حالی که اندازه اثر خودکنترلی صفر بود. در مورد یادگیری خودراهبر نیز اندازه اثر ۴۹/۷٪ بود.

نتایج نشان داد که هوش فرهنگی بر یادگیری خودراهبر دانشجویان تأثیر معناداری دارد؛ بدین معنی که هر چه هوش فرهنگی افراد بالاتر باشد، شناسایی نیازها، تدوین اهداف، ارزیابی پیامدهای یادگیری و جهت‌دهی به رفتار و تمایلات موثرتری خواهند داشت. از آنجا که این مقایسه تاکنون انجام نگرفته است، این نتایج تا حدی با یافته‌های یان‌چن و همکاران [۲۳] و پتروویچ [۲۴] که نشان دادند برخورداری از سطح بالایی از هوش فرهنگی پیش‌بین قابل توجهی برای یادگیری در افراد به‌شمار می‌آید، همخوانی دارد. در هوش فرهنگی برخی ویژگی‌ها و مشخصات ذاتی و اکتسابی سبب افزایش انگیزه یادگیری می‌شوند. این ویژگی‌ها خودآگاهی، گشودگی و استواری و سرسختی هستند [۳۵]. براساس نظر /شترنبرگ در مورد هوش؛ هوش شامل ظرفیت یادگیری از تجربه است و دیگر اینکه هوش شامل توان سازگاری با محیط اطراف است. روان‌شناسان شناختی متخصص در پژوهش هوش نیز بر اهمیت یادگیری از تجربه و سازگاری با محیط تأکید کرده‌اند [۳۶]. بین سازگاری با محیط و یادگیری در افراد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد [۳۷]. بر این اساس، سازگاری با محیط و نوع رفتار افراد در محیط‌های مختلف، یادگیری آنها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند [۳۸]. تأکید صورت‌گرفته بر اهمیت یادگیری از تجربه و سازگاری با محیط، هر دو به هوش فرهنگی ارتباط دارند. از طرفی یادگیری با بُعد ذهنی یا شناختی هوش فرهنگی ارتباط دارد، در حالی که بحث سازگاری با محیط، هم به کلیت مفهوم هوش فرهنگی و هم به بُعد رفتاری آن ارتباط پیدا می‌کند [۳۶]. همچنین سازگاری با محیط شامل آن دسته از پاسخ‌های فرد است که باعث سازش موثر و هماهنگی وی با موقعیتی می‌شود که در آن قرار دارد. بنابراین دست‌یابی به یک حد مطلوب از سازگاری می‌تواند دست‌یابی فرد را به خواسته‌ها، آرمان‌ها و اهداف تسهیل نماید. یکی از اهداف دانشجویان موفقیت تحصیلی است که با خودراهبری در یادگیری میسر می‌شود.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که هوش فرهنگی بر خودمدیریتی دانشجویان تأثیر معناداری دارد. این یافته با نتایجی که نشان دادند هوش فرهنگی با خودمدیریتی رابطه مثبت و معناداری دارد، همسو است [۲۷، ۲۸]. بدین معنی که افرادی با هوش فرهنگی بالاتر، توانایی کنترل و مدیریت موقعیت‌هایی که باعث دست‌یابی آنها به اهدافشان می‌شود و جهت‌دهی شخصی تمایلات، رفتار و شناخت افراد به سمت برآورده‌کردن وظایف یا اهداف را دارند. در این راستا هوش فرهنگی، نتیجه رشد و پرورش مهارت‌های اجتماعی و فردی

یافته‌ها

میانگین نمره آزمودنی‌ها در پرسش‌نامه هوش فرهنگی برابر با $69/05 \pm 14/74$ بود. با توجه به ماهیت پژوهش، افرادی که نمره آنها یک انحراف استاندارد بالا و پایین‌تر از میانگین بود، حذف شدند و بقیه آزمودنی‌ها در دو گروه دانشجویان با هوش فرهنگی بالا و دانشجویان با هوش فرهنگی پایین طبقه‌بندی شدند (یعنی نمرات پایین‌تر از ۵۵ و بالاتر از ۸۳).

در هر سه مولفه یادگیری خودراهبر، میانگین نمرات دانشجویانی که از هوش فرهنگی بالایی برخوردار بودند، بالاتر از نمرات دانشجویانی بود که هوش فرهنگی پایینی داشتند. نمره کل یادگیری خودراهبر در دو گروه با هوش فرهنگی پایین و هوش فرهنگی بالا نیز موید این نتیجه بود (جدول ۱).

تأثیر هوش فرهنگی بر یادگیری خودراهبر معنادار گزارش شد؛ بنابراین در یادگیری خودراهبر بین دانشجویان با سطوح مختلف هوش فرهنگی تفاوت معناداری وجود داشت.

همگنی واریانس‌ها در مولفه‌های یادگیری خودراهبر با استفاده از آزمون لوین مورد بررسی قرار گرفت که طبق نتایج آن، تساوی واریانس خطای متغیر وابسته، در همه مقیاس‌ها برقرار بود. شاخص لانداوی ویلکز در هوش فرهنگی، در سطح $0/01$ معنادار بود. به عبارت دیگر می‌توان ادعا کرد که دست کم در یکی از مولفه‌های یادگیری خودراهبر بین دانشجویان با هوش فرهنگی بالا و پایین، تفاوت معناداری وجود دارد.

هوش فرهنگی بر دو مولفه خودمدیریتی و همچنین رغبت به یادگیری دانشجویان رشته پرستاری، تأثیر معناداری داشت. به عبارت دیگر در مولفه خودمدیریتی و رغبت به یادگیری تفاوت معناداری بین دانشجویان با سطوح مختلف هوش فرهنگی وجود داشت. مقایسه میانگین‌ها نشان داد، میانگین دو مولفه خودمدیریتی و رغبت به یادگیری در دانشجویانی که دارای هوش فرهنگی بالایی بودند، به‌طور معناداری بالاتر از دانشجویان با هوش فرهنگی پایین بود، ولی تأثیر هوش فرهنگی بر خودکنترلی معنادار گزارش نشد.

بحث

در این مطالعه، تأثیر هوش فرهنگی بر یادگیری خودراهبر دانشجویان پرستاری بررسی شد. مقایسه میانگین‌ها نشان داد، میانگین دو مولفه خودمدیریتی و رغبت به یادگیری در دانشجویانی که دارای هوش فرهنگی بالایی هستند، به‌طور معناداری بالاتر از دانشجویان با هوش فرهنگی پایین است، اما در متغیر خودکنترلی تفاوت معناداری بین دانشجویان با سطوح مختلف هوش فرهنگی وجود نداشت. بالاترین اندازه اثر مربوط به مولفه خودمدیریتی بود ($0/361$)؛ یعنی حدود $36/1\%$ واریانس در بهترین ترکیب خطی

شخصیت و توانایی برقراری ارتباط با دیگران است و متأثر از خلق و خوی فرد و توان کنترل و جهت‌دهی تمایلات و تبادل عاطفی سالم و مفید در برقراری ارتباط با دیگران است. بدین ترتیب، فرد در صورت موفق‌شدن در برقراری ارتباط با دیگران، مورد پذیرش اجتماعی قرار می‌گیرد. دانشجویانی که تمایل بیشتری به برقراری ارتباط با افراد سایر فرهنگ‌ها داشته باشند، این تمایل به تثبیت موقعیت و پذیرش‌شان از سوی جامعه منجر می‌شود؛ یعنی با افزایش هوش فرهنگی، تعاملات و کارکرد اجتماعی افراد بهبود یافته، زمینه پذیرش اجتماعی فراهم می‌شود. در حقیقت ناتوانی در مدیریت خود بیشتر به روابط اجتماعی و تعامل با افراد مختلف لطمه می‌زند. این بدان معنی است که هر چه هوش فرهنگی فرد بالاتر باشد، بهتر می‌تواند سازوکار، وظیفه، خلاقیت و رفتار خود را کنترل و مدیریت نماید.

دیگر یافته پژوهش نشان داد که هوش فرهنگی بر رغبت به یادگیری دانشجویان رشته پرستاری تأثیر معناداری دارد. ویژگی رغبت به یادگیری این است که دانشجویان با تعیین اهداف مهم، تنظیم اطلاعات در کار و رسیدن به اهداف، به موفقیت در یادگیری دست خواهند یافت. رغبت و آمادگی دانشجو برای یادگیری، یکی از ارکان اساسی یادگیری است که باعث می‌شود وی کارهای خود را برنامه‌ریزی کند [۳۴]. هوش فرهنگی به‌عنوان یک مهارت اجتماعی است که موجب سازگاری فرد می‌شود. فرد دارای سازگاری اجتماعی، توانایی برنامه‌ریزی برای تمام ساعات خود را دارد. همچنین پذیرش تغییرات اجتماعی، شرکت فعال در یادگیری، قبول مسئولیت‌های فردی، اجتماعی و اعمال مدیریت صحیح به‌میزان زیادی بستگی به انگیزش و رغبتی دارد که در فرد بروز می‌کند. در این حالت دانشجویان با انگیزه، اراده و اعتمادبه‌نفس و اشتیاق کامل برای تحقق یادگیری تلاش می‌کنند که این امر موجب عملکرد بهتر تحصیلی و رغبت بیشتر به یادگیری می‌شود. وقتی رغبت به یادگیری افزایش یابد، در نتیجه میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بیشتر شده و آنها نمره‌های بالاتری را در آزمون‌ها کسب می‌کنند، بنابراین موضوعات درسی را با عمق بیشتر و پایداری طولانی‌تر و حتی در سطح مفیدتر می‌فهمند. در نتیجه این افراد از نظر فراشناخت و انگیزش، بالاتر از دیگر دانشجویان در دانشگاه عمل کرده و مورد پذیرش اجتماعی قرار می‌گیرند.

این پژوهش نشان داد که هوش فرهنگی بر خودکنترلی در یادگیری تأثیر معناداری ندارد. هوش فرهنگی بیانگر درک فرد از تشابهات و تفاوت‌های فرهنگی و علاقه فرد به آموختن فرهنگ‌های دیگر است که شامل رفتار سازگار با فرهنگ‌های متفاوت است. این رفتار قابلیت فرد برای سازگاری با آن دسته از رفتارهای کلامی و غیرکلامی را که برای فرد با فرهنگ‌های مختلف مناسب هستند، همچون تغییر سرعت حرف‌زدن و توانایی تعدیل شوخی‌ها متناسب با موقعیت‌های فرهنگی را در بر می‌گیرد. در حالی که خودکنترلی

در یادگیری، معمولاً به مهارت و نگرش‌های لازم برای هدایت فرآیند یادگیری شخص اشاره دارد و شامل مهارت‌های فراشناختی، راهبردهای یادگیری و جنبه‌های انگیزشی است و فرآیندی است که فراگیران آن را به‌منظور فعال‌کردن و حمایت از افکار، رفتار و احساسات‌شان به‌کار می‌برند تا به اهداف خود دست یابند و سبب می‌شود که فرد خود را لایق، خودکارآمد و مستقل تصور کند. بندورا معتقد است که وقتی افراد به کلاس‌های بالاتر می‌روند و رشد شناختی آنها افزایش می‌یابد، انگیزه عامل مهمی در آموختن می‌شود و فراگیرانی که خود را با کفایت و لایق می‌دانند در نتیجه کمتر تحت تأثیر شرایط محیطی قرار می‌گیرند. انگیزه موجب خودتنظیمی و خودکنترلی در امر یادگیری می‌شود، به‌طوری که اگر دانشجویان احساس کنند که در انتخاب فعالیت‌های یادگیری‌شان محدودیت‌های بیرونی وجود دارد یا در فرآیند یادگیری خودشان خودکنترلی نداشته باشند، احتمالاً هیچ وقت یاد نخواهند گرفت [۳۹]. بنابراین می‌توان انتظار داشت که هوش فرهنگی افراد بر خودکنترلی آنها اثر معنادار نداشته باشد.

در دنیای کنونی که روند جهانی‌شدن را در پیش گرفته است، امکان برخورد افرادی از فرهنگ‌ها، نژادها و مذاهب گوناگون با زمینه‌های اجتماعی و عقاید و جهان‌بینی‌های متفاوت بسیار افزایش یافته است، به‌طوری که امکان پیشرفت و توسعه برای کشورهای مختلف و انواع مبادلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی میان کشورهای گوناگون، نیازمند تعاملات صحیح و سازنده است. در این راستا تقویت و توسعه هوش فرهنگی، در بین افراد مختلف جامعه می‌تواند یاری‌دهنده و تسهیل‌گر توسعه برای هر کشوری باشد. همچنین دانشجویان پرستاری در شغل خود، روزانه با بیمارانی برخورد دارند که دارای زمینه‌های فرهنگی متفاوت هستند و نداشتن آگاهی و مهارت لازم درباره چگونگی مواجهه موثر با باورها و ارزش‌های فرهنگی گوناگون ممکن است عاملی برای برقرارنشدن ارتباط و تعامل لازم بین بیمار و پرستار شود. در این شرایط با توجه به رشد روزافزون دانش و اطلاعات، از دانشجویان انتظار می‌رود که از راهبردهای جدید یادگیری برخوردار باشند تا بتوانند عملکرد موثری در جامعه داشته، یا به عرصه علمی گذاشته و باعث پیشرفت کشور شوند. بنابراین با توجه به تأثیر هوش فرهنگی بر خودراهبری در یادگیری و اکتسابی‌بودن بخش قابل توجهی از مهارت‌ها و قابلیت‌های این هوش، دانشگاه‌ها باید در برنامه‌های آموزشی خود، جایگاه ویژه‌ای برای تقویت این هوش در نظر بگیرند و با بهره‌گیری از آموزش‌های رسمی و غیررسمی در جهت بهبود مهارت‌های شناختی و رفتاری دانشجویان گام بردارند. همچنین خودراهبری خصیصه مهم یادگیری در دانشجویان به‌ویژه دانشجویان رشته پرستاری است که با توجه به حساسیت‌های رشته و حرفه، مد نظر قراردادن کارگاه‌های آموزش خودراهبری در این رشته توصیه می‌شود.

- 6- Linnenbrink EA, Pintrich PR. Motivation as an enabler for academic success. *Sch Psychol Rev*. 2000;31(3):313-28.
- 7- Williamson SN. Development of a self-rating scale of self-directed learning. *Nurse Res*. 2007;14(2):66-83.
- 8- Bakhshi M, Ahangiyani MR. A Proposed Model to predict academic achievement: The role of critical thinking and self-regulated learning strategies. *Iran J Med Educ*. 2013;13(2):153-63. [Persian]
- 9- Kitsantas A, Winsler A, Hui F. Self-regulation and ability predictors of academic success during college: A predictive validity study. *J Adv Acad*. 2008;20(1):42-68.
- 10- Zwick R, Sklar JC. Predicting college grades and degree completion using high school grades and SAT scores: The role of student ethnicity and first language. *Am Educ Res J*. 2005;42:439-64.
- 11- Saeid N, Mehrabi M. Effectiveness of teaching cognitive and metacognitive strategies on reinforcing these strategies, student self-directed learning readiness and self-efficacy. *Psychol Educ Sci Payam Noor Univ Kerman*. 2014;4(3)29-40. [Persian]
- 12- Mirzaei N, Mohammadi Shahboulaghi F, Nourozi K, Biglarian A, Hosseiny GH. Effect of self - management program on knee pain among older adult with osteoarthritis referred to orthopedic clinics in 1393. *Iran J Rehabil Res Nurs*. 2015;1(4):1-10. [Persian]
- 13- Anderson JG. structural equation models in the social and behavioral sciences: Model building. *Child Dev*. 1987;58(1):49-64.
- 14- Bijany M, Moradi H, Karami V. Concept and motivation in adult education programs. *Work Soc*. 2012;132-3:100-12. [Persian]
- 15- Ghaffari M, Khani L. The relationship between social capital and cultural intelligence with medical students' academic performance. *Iran J Med Educ*. 2014;13(8)642-51. [Persian]
- 16- Fischer R. Cross-cultural training effects on cultural essentialism beliefs and cultural intelligence. *Int J Intercult Relatsh*. 2011;35(6):767-75.
- 17- Alaei S. Development of cultural intelligence, the success of leaders and managers in the modern era. *J Dev Stra*. 2013;32:101. [Persian]
- 18- Ang S, Van Dyne L, Koh C, Ng KY, Templer KJ, Tay Lee SLC, et al. Cultural intelligence: Its measurement and effects on cultural judgment and decision making, cultural adaptation and task performance. *Manag Organ Rev*. 2007;3(3):335-71.
- 19- Moshabaki A, Tizro A. Emotional and cultural intelligences; factors of global leadership success. *Business Stra*. 2012;1(44):237-50.
- 20- Ng KY, Van Dyne L, Ang S. Cultural Intelligence: A Review, Reflections, and Recommendations for Future Research. In: Ryan AM, Leong FTL, Oswald FL (editors). *Conducting multinational research: Applying organizational psychology in the workplace*. Washington, DC: APA; 2012. pp. 29-58.
- 21- Ang S, Inkpen AC. Cultural intelligence and offshore outsourcing success: A framework of firm-level intercultural capability. *Decis Sci*. 2008;39(3):337-58.
- 22- Deng L, Gibson PA. A qualitative evaluation on the role of cultural intelligence in cross-cultural leadership effectiveness. *Int J Lead Stud*. 2008;3(2):181-97.
- 23- Shin Yih Chen A, Lin YC, Zpattanukul A. The relationship between cultural intelligence and performance with the mediating effect of culture shock: A case from Philippine laborers in Taiwan. *Int J*

با توجه به اینکه پژوهش حاضر، محدود به دانشجویان دختر رشته پرستاری بود، پیشنهاد می‌شود این مطالعه در جوامع آماری دیگر، در هر دو جنس به تفکیک افراد بومی و غیربومی انجام شده و با مقایسه نتایج آن با مطالعه حاضر، اثر ویژگی‌های دیگر در این زمینه مشخص شود.

نتیجه گیری

با افزایش هوش فرهنگی در دانشجویان پرستاری، خودراهبری در یادگیری، خودمدیریتی و رغبت به یادگیری آنها نیز ارتقا می‌یابد. این امر باعث خواهد شد که دانشجویان بتوانند نیازها و اهداف یادگیری خود را متناسب با دانش موجود تعیین کرده، مسئولیت‌پذیری، حق انتخاب و آزادی تحت کنترل خود را افزایش دهند. افزایش خودراهبری در یادگیری باعث پیشرفت تحصیلی و در نهایت، تداوم یادگیری همیشگی در دانشجویان می‌شود.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که محقق را در انجام

پژوهش حاضر یاری رساندند، سپاسگزاری به عمل می‌آید.

تأییدیه اخلاقی: برای رعایت نکات اخلاقی، در مورد پژوهش و

اهداف آن به‌طور شفاف با کلیه شرکت‌کنندگان صحبت شد و به آنها اطمینان داده شد که اطلاعات حاصل شده، صرفاً برای انجام پروژه تحقیقاتی است و کلیه اطلاعات نزد محقق محرمانه باقی خواهد ماند.

تعارض منافع: نتایج پژوهش حاضر با منافع هیچ سازمان و ارگانی

تعارض ندارد.

منابع مالی: تمام هزینه‌های پژوهش توسط نویسنده مسئول

تامین شده است.

منابع

- 1- Naimi L, Bigdeli S, Soltani Arabshahi K. Level of self-directed learning readiness in medical students. *Educ Strateg Med Sci*. 2012;5(3):177-81. [Persian]
- 2- Fisher MJ, King J. The Self-Directed Learning Readiness Scale for nursing education revisited: A confirmatory factor analysis. *Nurse Educ Today*. 2010;30(1):44-8.
- 3- Cheng SF, Kuo CL, Lin KC, Lee Hsieh J. Development and preliminary testing of a self-rating instrument to measure self-directed learning ability of nursing students. *Int J Nurs Stud*. 2010;47(9):1152-8.
- 4- Saleh Sedghpour B, Azimi SN. Structural equation modeling of the relationship self-regulation and emotional intelligence on academic achievement in mathematics with mediation of self-efficiency. *J Sch psychol*. 2014;3(4):73-91. [Persian]
- 5- Karami M, Pakmehr H, Aghili A. Another view to importance of teaching methods in curriculum: Collaborative learning and students' critical thinking disposition. *Procedia Soc Behav Sci*. 2012;46:3266-70.

- 32- Kamalian AR, Baharvand F, Zare Elmy N, Guran MA. Structural equation model of the relationship between cultural intelligence and entrepreneurial orientation. *Manag Res.* 2014;7(23):89-106. [Persian]
- 33- Hamidi F, Ebrahim Damavandi M, Dehnavi A. Relationship between cultural intelligence and computer literacy with teacher's classroom management style. *J Commun Technol Educ.* 2012;3(9):5-26. [Persian]
- 34- Nadi M, Gordanshekan M, Golparvar M. Effect of critical thinking, problem solving and meta-cognitive on students' self-directed learning. *Res Dev Educ.* 2011;8(1-2):53-61. [Persian]
- 35- Taslimi MS, Qolipur A, Verdinejad F, Man Aleagha M. Ways to enhance the cultural intelligence managers of government in international affairs. *Manag Res.* 2009;2(4):29-57. [Persian]
- 36- Ghasemi V, Vahida F, Yazdkhasty G. Cultural intelligence and strengthen its analytical models. *Soc Sci J Islamic Azad Univ Shushtar.* 2011;4(9):33-50. [Persian]
- 37- Troc M, Unold O. Self-adaptation of learning rate in XCS working in noisy and dynamic environments. *Comput Hum Behav.* 2011;27(5):1535-44.
- 38- Garcia Cabot A, De Marcos L. An empirical study on m-learning adaptation: Learning performance and learning contexts. *Comput Res.* 2015;82:450-9.
- 39- Farmahini M, Abdolmaleki A, Rashid G. Relationship between emotional intelligence, self-regulate learning and academic achievement goal orientation classes at the junior high school students Qrvkh city. *Daneshvar Raftar.* 2009;15(30):85-98. [Persian]
- Intercultural Relations. 2011;35(2):246-58.
- 24- Petrovic DS. How do teachers perceive their cultural intelligence?. *Procedia Soc Behav Sci.* 2011;11:276-80.
- 25- Smelser NJ, Wright J, Baltes PB (editors). *International encyclopedia of the social and behavioral sciences* 1st edition. Oxford: Pergamon; 2001. pp. 433-9.
- 26- Chua Yan P, Aribah I, Nor Asmadi Y, Haslina S, Lee Eng P, Zulkifli AK. Can multiple intelligence abilities predict work motivation, communication, creativity, and management skills of school leaders?. *Procedia Soc Behav Sci.* 2014;116:4870-4.
- 27- MacNab BR, Worthley R. Individual characteristics as predictors of cultural intelligence development: The relevance of self-efficacy. *Int J Intercult Relatsh.* 2012;36:62-71.
- 28- Yi Chun L, Chen Angela SYC, Yi Chen S. Does your intelligence help to survive in a foreign jungle? The effects of cultural intelligence and emotional intelligence on cross-cultural adjustment. *Int J Intercultural Relations.* 2012;36(4):541-52.
- 29- Sart G. The Effects of the Development of Metacognition on Project-based Learning. *Procedia Soc Behav Sci.* 2014;152:131-6.
- 30- Moos DC. Setting the stage for the metacognition during hypermedia learning: What motivation constructs matter?. *Comput Educ.* 2014;70:128-37.
- 31- Skitka LJ. Do the means always justify the ends, or do the ends sometimes justify the means? A value protection model of justice reasoning. *Personality Soc Psychol Bull.* 2002;28:452-61.

